

امروز ثنا و سلام و ذکر و بیان مخصوص اولیاء حقّ جلّ جلاله است ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۸۱

ت

جناب خلیل عطار علیه بهاء الله

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

امروز ثنا و سلام و ذکر و بیان مخصوص اولیاء حقّ جلّ جلاله است که شبّهات اهل عالم ایشان را از سبیل رحمن منع نمود عرف قیص را یافتند و بشطر دوست شتافتند منع مانعین و سطوت ظالمین و مکر ماکرین و اعراض علما و اغماض فقها ایشان را از انوار وجه مالک اسماء منع نمود از اقداح عرفان راح فلاح را باسم مسخر اریاح نوشیدند نوشیدنی که ایشان را از انهار و جداول عالم غنی و بی نیاز نمود لعمر محبوبنا و محبوبکم و مقصودنا و مقصود من فی السموات و الأرض ایشانند آن نفوسی که در کتب قبل و بعد مذکورند تعالی الذی ایدهم و عزّفهم و اظهرهم و اقامهم علی خدمة امره ایشانند کاسر اصنام اوهام و مخذل اعداء مولی الأنام یسأل الخادم ربّه ان یؤیدهم و یوفّقهم و یرزقهم خیر ما عنده انه هو العزیز الوهاب

سبحانک یا منزل الأمطار و مجری الأنهار اسألك بجواهر خلقک الذین وفوا بعهدک و میثاقک بأن تؤیّد احبائک علی استقامة لا تزّلها جنود الظنون و الأوهام و لا تمنعهم امرآء الأنام ای ربّ ترى ملأ البیان و تسمع ما تنطق به السنهم و تعلم اعمالهم و اعراضهم عن المقام الذی به ثبتت حجّتک فی ازل الازال و ظهرت آیات قدرتک بالعظمة و الاجلال اسألك یا مسخر العالم و محیی الرّمم بأن تؤیّدهم علی الرجوع انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العلیم الحکیم ثم اجعل یا الهی و مقصودی عبدک الخلیل من الناصرین لأمرک و الناطقین بثنائک ای ربّ ایدہ فی کلّ الأحوال انک انت العلیّ المتعال

و بعد نامه آن جناب که معطر بود بذکر و ثنای محبوب عالمیان عین را کحلی بود هویدا و قلب را وجدی بود آشکار از حقّ جلّ جلاله میطلبم آن جناب را مؤیّد فرماید بر آنچه سزاوار است و بعد از قرائت و اطلاع قصد مقام اعلی نموده امام



ORIGINAL

وجه عرض شد و بشرف اصغا فائز هذا ما نزل من ملکوت حکمة ربنا و ربکم و رب من فی الأرض و السماء قوله جلّ جلاله

هو السامع العليم

یا خلیل اهل عالم بمثابه صبیان مشاهده میشوند نیست بر احدی که از این کلمه علیا تعجب نماید چه که کل مشغولند باموری که خود بر فنا و زوال آن شاهد و گواهند و بیادی خود از برای خود میافروزند آنچه را که از اطفائش عاجز و قاصرند اوهام کل را اخذ نموده و ظنون جمیع را از ما ینفعهم منع کرده الا من شاء الله از برای حق نفسی نفسی برنیارد و گاهی لله بر ندارد بمثابه اغنامی مشاهده میشوند که راعی را گم کرده اند متفرق و متشتت در هیما غفلت و نادانی سائرند و شاعر نیستند از حق جلّ جلاله مسئلت نمائید قطره‌ئی از دریای دانائی بر عباد خود مبذول دارد و عنایت فرماید اوست بخشنده و توانا در ملاء بیان تفکر نما مع آنکه بر حزب شیعه و اعمال و ثمرات آن مطلع گشتند چنانچه بچشم دیده‌اید و بگوش شنیده‌اید مع ذلک بهمان اوهامات مجدد تمسک نموده‌اند بوهم از سلطان یقین محرومند و بغیر از بحر اعظم ممنوع قل

الها معبودا مسجودا شهادت میدهم بوحدانیت تو و فردانیت تو و بخششهای قدیم و جدید تو تویی آن کریمی که امطار سحاب سماء رحمت بر شریف و وضع باریده و اشراقات انوار آفتاب بخششت بر عاصی و مطیع تابیده ای رحیمی که ساذج رحمت بابت را ساجد و جوهر عنایت کعبه امرت را طائف از تو سؤال مینمایم و فضل قدیمت را میطلبم و جود جدیدت را میجویم که بر مظاهر وجود رحم فرمائی و از فیوضات ایامت محروم نسازی جمیع محتاج و فقیرند و انت الغنی الغالب القدیر انتهى

لله الفضل و المنه بحر بیان نه بشأنی مواج که این خادم فانی از عهده ذکر و یا وصف برآید معدوم را نزد حضرت موجود بشأنی نه و بیانی نه با کمال عجز و انکسار باذیال رداء کرمش متشبث که آن جناب را در جمیع احوال موفق دارد و عبادش را از فضل ایامش محروم نفرماید انه علی کل شیء قدیر و بالا جابة جدیر

اینکه مرقوم داشتند در باره جناب آقا میرزا علی اخ جناب آقا میرزا محمد خان علیهما بهاء الله نامه ایشان رسید و امام وجه محبوب عالمیان عرض شد یک لوح امنع اقدس بشأن آیات و یک لوح ابدع احلی بشأن پارسی از سماء عنایت و فضل نازل نوشته ارسال شد از حق میطلبم ایشان را فائز فرماید بلقاء آن تا از بحر بیان رحمن بیاشامند آنچه را که سبب حرکت و علت اشتعال گردد و بر خدمت امر قیام نمایند یعنی بتبلیغ این عبد خدمت ایشان تکبیر میرساند و از حق جلّ جلاله تأیید میطلبد تأییدی که آثار آن در اقطار ظاهر و هویدا شود اوست بخشنده که حجابات عالم و سبحات امم او را منع نموده و ننماید لازال ید قدرتش ظاهر و عین عنایتش مبسوط طوبی از برای نفوسی که در این مطلع ایام خود را از اشراقات انوار آفتاب عنایت محروم نمودند ان ربنا الرحمن هو المعطی الکریم و هو الجواد الکریم لا اله الا هو العلی العظیم

اینکه ذکر حضرات اولیا جناب آقا میرزا محمود و جناب آقا میرزا محمد خان و جناب آقا محمد حسن خان علیهم بهاء الله را فرمودند کل در ساحت امنع اقدس مذکورند لله الحمد بعد از عرض اسامی مخصوص هر یک از سماء فضل نازل آنچه که عرفش بدوام اسماء حسنی و صفات علیا باقی و دائم و این فانی از حق جلّ جلاله سائل و آمل که هر یک را بمثابه

علم بر امرش مرتفع و ظاهر و باهر فرماید اوست قاضی حوائج سائلین و اوست امل آملین و مقصود قاصدین البهَاء و الذِّكْر
و الثَّنَاء علی جنابک و علی الذین ما منعتهم الأوهام عن الله ربنا و ربکم و ربّ من فی السّموات و الأرضین و الحمد لله ربّ
العالمین